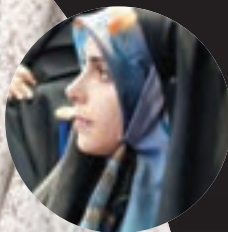


بانوان فرماندهان میدان روایت

فاطمه نجار
روانشناس و پژوهشگر حوزه حکمرانی



از منظر حکمرانی حضور بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، جلوه‌ای روشن از مشارکت‌پذیری، اعتماد اجتماعی و شکوفایی سرمایه انسانی است. هرچه این حضور سازمان یافته‌تر، آگاهانه‌تر و روایت محورتر باشد، ظرفیت کشور برای عبور از بحران‌ها، ارتقای تاب‌آوری ملی و ساختن آینده‌ای مقتدرانه بیشتر خواهد شد.

امروز بانوان با حضور در عرصه‌های امدادی، تهیه غذا برای نیروهای حافظ امنیت، مشارکت فعال در تجمعات، فعالیت‌های فضا مجازی و برگزاری دوره‌های آموزشی نشان داده‌اند که می‌توانند به صورت هم‌زمان در چند جبهه اثرگذار باشند. آنان به‌ویژه در پیوند میان عاطفه، معنا، کنش و امید، نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کنند. این تنوع نقش آفرینی، نشانه‌ای روشن از گستره تأثیرگذاری بانوان در صحنه اجتماعی و حکمرانی مردمی است. نقش‌های محوری بانوان در جنگ ترکیبی از منظر حکمرانی را می‌توان در چند محور اساسی خلاصه کرد: تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی، کنشگر سواد رسانه‌ای و پدافند شناختی، مشارکت‌کننده در حکمرانی محلی و مردمی، پاسدار تاریخ شفاهی و فعال در عرصه‌های سیاست‌گذاری.

این نقش‌ها نشان می‌دهد که زنان تنها مخاطب سیاست‌ها نیستند، بلکه خود از باز یگران اصلی تولید قدرت نرم و صیانت از انسجام اجتماعی به‌شمار می‌آیند. یکی از حوزه‌های مهمی که امروز باید با دقت و ژرف‌نگری مورد توجه قرار گیرد، نقش زنان در «روایتگری» است. در عصر جنگ‌های ترکیبی، روایت می‌تواند یکی از مؤلفه‌های مهم تولید قدرت ملی باشد. هر ملتی که بتواند روایتی دقیق، اصیل و الهام‌بخش از خود ارائه کند، دست بالا را خواهد داشت. بانوان به دلیل پیوند عمیق با زیست‌زمه جامعه، قدرت ارتباطی بالا و توان ویژه در انتقال تجربه زیسته، از مهم‌ترین کنشگران این عرصه‌اند. در این مسیر، الگوی زنانه و شخصیت فرهیخته حضرت زینب (س) جایگاهی بسیار والا دارد. ایشان با خطبه‌ها و روایتگری تاریخی خود، صدای کربلارا به گوش جهانیان رساند و حقیقت را برای تاریخ ماندگار کرد. از این منظر، بانوان امروز نیز می‌توانند به مثابه فرماندهان میدان روایت، پیام‌آور امید و پیروزی و پیشران میدان باشند.

در همین راستا، ثبت و مستندسازی روایت‌های بانوان از دوران جنگ، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این روایت‌ها بخشی از تاریخ شفاهی ما را تشکیل می‌دهند و می‌توانند در آینده به منبعی گران‌سنگ برای آموزش، پژوهش و تقویت هویت ملی تبدیل شوند. به تمامی بانوان فعال و کنشگر پیشنهاد می‌کنم روایت‌های خود از روزهای جنگ را بنویسند و ثبت کنند و از آن‌ها تصویر و فیلم تهیه کرده و نگهداری کنند تا این گنجینه‌های ارزشمند حفظ و به نسل‌های بعد منتقل شود. یکی از پیشنهادهای برای حفظ این نوشته‌ها می‌تواند انتشار کتاب روایت‌های برگزیده باشد یا انتشار محتوای چندرسانه‌ای آن‌ها در سایت‌ها و فضاهای مجازی اثرگذار.

محورهای کلیدی مادرانه

بصیرت

مادر، سد نفوذ فرهنگی

مادر در خانواده‌ای که رویکرد حماسی دارد، به جای پرورش فرزندان «منفعل»، فرزندان «پرسشگر» و «آگاه» می‌پروراند. او با تزریق هوشمندی در فضای خانه، تشخیص دوست از دشمن را به یک عادت ذهنی تبدیل می‌کند. در اندیشه حماسی، مادر «سد نفوذ فرهنگی» است؛ اوست که مرزهای ایمان و غیرت را در ذهن اعضای خانواده ترسیم می‌کند تا طوفان تهدیدات نرم دشمن، بنیان‌های اخلاقی خانه را متزلزل نکند.



مدیریت

مادر، تکیه‌گاه استوار

مقاومت، هزینه‌هایی دارد. صبر و تحمل سختی‌ها، ستون فقرات یک جامعه مقاوم است. مادر در اینجا نقش «تکیه‌گاه استوار» را بازی می‌کند. با ایجاد روحیه «ایثار» و «گذشت» در بطن خانواده، او به اهل خانه می‌آموزد که سعادت جمعی و عزت ملی، بر راحتی‌های فردی ارجحیت دارد. این روحیه، دقیقاً همان چیزی است که دشمن از آن هراس دارد: خانواده‌ای که با لبخند و امید، زیر بار مشکلات نمی‌شکند.



تربیت

مادر، مشوق عمل‌گرایی

در سبک زندگی پویا، سکون معنا ندارد. مادر حماسه‌آفرین، تاریخ را با خون باور در رگ‌های فرزندان جاری می‌کند. روایتگری قهرمانان، بیان مظلومیت حق‌طلبان و تشویق فرزندان به «عمل‌گرایی» به جای «تکرار شعار»، وظیفه مستقیم اوست. او نسلی را تربیت می‌کند که در مواجهه با ظلم، نه تنها سکوت نمی‌کند، بلکه با «منطق» و «قدرت» به تقابل برمی‌خیزد.



الگو

مادر، یک رسانه زنده

مادر امروز، یک رسانه زنده است. در خانواده‌ای پویا، او به جای صرف تماشاگر حوادث، به تحلیل آن‌ها می‌پردازد. او با آرامش عمیق و عزت و اعتماد به نفسی که از ایمان قلبی‌اش سرچشمه می‌گیرد، به خانواده «روحیه» می‌دهد. در نگاه حماسی، هر اقدام کوچک در خانه از تغذیه سالم و ساده‌زیستی تا مطالعه و بحث‌های منطقی، نوعی آمادگی برای دفاع از کیان خانواده و کشور است.

